**انترناسیونال ۶۹۹**

**شاهزاده سرگردان و بورلی هیلز**

**سیامک بهاری**

با تغییر سکان قدرت در واشنگتن صف آشفته و پریشان مشتاقان نظام سلطنتی نقطه امیدی یافته است. امید به این که حتی برای یکبار هم شده است، توسط غرب رسماً به بازی گرفته شود، در مناقشات جنگ سردی بین امریکا و جمهوری اسلامی، عددی باشد و بتواند با اتکا به همین فرصت اجازه ورود به میدان رسمی برای بازگشت به قدرت داشته باشد.

اهدا کلید شهر بورلی هیلز به رضا پهلوی بعنوان نماد پادشاهی شاید مهمترین اتفاق سیاسی بیش از سه دهه شخص رضا پهلوی و عقبه سرگردان او برای بحساب آورده شود. نه تشکیل شورای ایرانیان توانست به آشفتگی درونی این طیف سروسامانی دهد و او را به مهره‌ای جدی برای بازگرداندن سلطنت طلبان به قدرت بدل کند و نه کاراکتر سیاسی او کاریسمایی از جدیت در سیاست برایش دست و پا کرد. هر جا که ظاهر شد بیشتر از پیش نشان داد که فاقد توانایی و صلاحیت لازم برای سر و سامان دادن به پریشان حال‌ترین، متفرق‌‌ترین و بی افق‌ترین اپوزیسیون راست و از قدرت به زیر کشیده شده است. او نشان داد که نه توانش را دارد و نه تاریخاً غیر از این می‌تواند باشد.

او مغضوب صفوف هواداران خود نیز هست. آشکارا او را فاقد صلاحیت و بی انگیزه برای بازگشت به قدرت می‌نامند. او پیش از اینکه وارث تخت و تاج کیانی باشد، وارث آوار یک شکست و اضمحلال تاریخی و به زیر کشیده شدن و خلع‌ید از قدرت سلطنت، توسط میلیونها مردمی است که با قیامی تاریخی، به دوران سلطنت در ایران خاتمه داده‌اند. او وارث و نمادی از خاندان و حکومتی جنایتکار، فاسد، بدنام و تبهکار است که همچنان در حسرت شکوه و جلال سلطنتی آه می‌کشند و بی تأثیر و بی ثمر در جدالهای سیاسی بر خان ثروتی باد‌آورده تکیه داده‌اند.

با به کنار گذاشتن سیاست رژیم‌چنج در دوره زمامداری باراک اوباما، ناامیدی از بازگشت به قدرت با اتکا به قدرتهای جهانی و توسط حمله نظامی، آشفتگی بیشتری را به این جریان تحمیل کرد و سبب شد بیشتر از پیش به حاشیه رانده شوند. حال با به‌ قدرت رسیدن یک جریان اولترا راست فاشیستی در امریکا. جریان سلطنت طلب برای بازگشت به قدرت و با دست پاچگی آشکاری ماهیت درونی‌‌اش را علنی می‌کند و سر به آستان سیاستهای مشمئز کننده ترامپ و شرکا می‌ساید.

قرار است غرب و بویژه امریکا رضا پهلوی را با نه با چرخشی‌ تند در سیاست و یا اعلام رویکردی جدید، زیر نورافکن خود قرار دهند. در جایی پرت در سیاست، او را به حساب بیاورند و به بازی بگیرند. غرب بخوبی واقف است که او سرلشکری بی لشکر است! نه حزب و تشکیلاتی توانسته به‌ خط کند و نه خواست و مطالبه‌ای جدی را نمایندگی می‌کند.

بیش از سه دهه مبارزه و بویژه قیام سال ۸۸ بخوبی نشان داده است که میلیونها جوان و زن و مرد برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی بی وقفه در تلاشند و رضا پهلوی و جریان منتسب به او نه تنها جلوه‌ای در این مبارزات نداشته است بلکه به هر درجه مردم توانسته‌اند جمهوری اسلامی را عقب برانند، بیشتر از پیش به قدرت خود واقف شده‌اند و افق و جهت مبارزاتی خود را برای آزادی و برابری و یک زندگی بهتر روشن‌تر از هر وقت ترسیم کرده‌اند.

**شاهزاده برهنه است!**

بورلی هیلز نمادین است. نه در سیاست، نه در تأثیر گذاری بر روند رقابتهای سیاسی منطقه‌ای و جهانی. بورلی هیلز نماد میلیاردرهای مرفه هالیودی است. این جایی است که رضا پهلوی را به مقابل دوربین حمایت غرب می برند. پیام کاملا روشن است. او باید نقش معینی را بازی کند و رضا پهلوی در سخنرانی‌اش دقیقا همین نقش را بعهده می‌گیرد و ایفا می‌کند.

او را اعلیحضرت خطاب می‌کنند. در کوله‌بار فعالیت سیاسی چند دهه‌گذشته اش کارنامه‌ای مجاز و مورد حمایت سرمایه داری غرب می‌گذارند و نزدیکی‌ و اتحادش به فاشیسم دولتی حاکم بر آمریکا را با اهدای کلید شهر بورلی هیلز رسمیت می‌بخشند.

هیچ خبرگزاری معتبر و حتی رسانه‌های باسمه‌ای غرب هم این مراسم را پوشش نمی‌دهند. تعدادی خواننده و هنرپیشه و مدیر تلویزیونهای لوس‌‌آنجلسی تاریخ مصرف گذشته، بعنوان مدعوین این نمایش گرد آورده شده‌اند. رضا پهلوی سخنانش را با شکایت آشکار از بی توجهی غرب به سلطنت‌طلبان و چرایی ناکامی تا کنونی‌اش شروع می‌کند. تصریح می‌کند که مورد حمایت قرار نگرفته است و با شادمانی اعلام می‌کند، اکنون نسیم دیگری در حال وزیدن است.

می‌گوید: "... با تغییر حال و هوای سیاست در سطح بین‌المللی و از جمله در اینجا در این کشور که بالاخره به نتیجه نهایی رسیده‌ایم... امیدوارم در شرایط حاضر شانس خیلی بیشتر داشته باشیم برای جلب حمایت از سوی واشینگتن و جاهای دیگر..."

آشکارتر و رسمی‌تر از این نمی‌توان برای بازگشت به قدرت، اتکا به ماشین نظامی و دولتی غرب را وثیقه گرفت. این نه فقط کوتاهترین راه که تنهاترین راه برای ممانعت از قدرت‌گیری توده مردم و به فرجام رسیدن انقلابی است که از سال ۵۷ همچنان بلاتکلیف مانده است!

رضا پهلوی بخوبی می‌داند که پراگماتیسم سرمایه‌داری غرب و امریکا، سرمایه‌ نهایی‌اش را بر جریانی می‌گذارد که کمترین هزینه و بیشترین قابلیت را برای سرکوب و مهار اعتراضات مردم ایران داشته باشد. سرمایه‌گذاری تاکنونی غرب، کماکان بر جناح‌هایی از داخل حاکمیت جمهوری اسلامی است تا مانع شوند اوضاع بکلی از کنترل خارج شود. هرجا روزنه‌ای برای اپوزیسیون پروغرب باز کرده‌‌اند، تنها اهرم فشاری بر جمهوری اسلامی بوده است.

شاهزاده برهنه‌ است! او نماد حقیقی سلطنت، بدون نقاب است. یگانه امکان و ضامن بازگشت به قدرت، برای احیای سلطنت، اتکا به هارترین جناح‌های فاشیستی سرمایه‌داری در امریکا و غرب است. از این رو خود با اشاره و چشمک غرب چنین به جست و خیز افتاده است! برای شخص او و جریان منسوبش، چرخش قدرت سیاسی به راست در غرب، بویژه در امریکا یک مائده آسمانی است. فرشته نجاتی رؤیایی‌ است که بر بالهای آهنینش می‌توان به تهران رسید! از همان دست که پیشتر در عراق و لیبی و افغانستان تجربه شده‌اند! همین ظرفیت سیاسی بقدر کفایت ثابت می‌کند که آلترناتیو بالقوه‌ای برای فروپاشی کل جامعه‌اند! در عین حال هردرجه همسویی این جریانات با سیاستهای تحریم اقتصادی و تهدید نظامی غرب، برای جمهوری اسلامی بهترین مستمسک و بهانه و سرکوب خشن‌تر مبارزات رو به گسترش مردم است.

حمایت غرب از رضا پهلوی اهرم فشار بر جمهوری اسلامی در مناقشات رو به گسترش در منطقه است. از جنس همان حمایتی است که مجاهد و حزب دموکرات و سکولارهای واداده به غرب را به وجد آورده است. این روزنی است که هر جریان بی ربط به منافع مردم باید از ‌آن بگذرد، تا سر به فرمان غرب علیه کل دستاوردهای تاکنونی مردمی باشد که با دست خالی جمهوری اسلامی را چنین به وحشت انداخته‌اند!

رضا پهلوی و کل اپوزیسیون پرو غرب، در پیچیدگی اوضاع سیاسی و ژئوپولتیک منطقه ناچارند سیال باشند و تاریخا، بارها دست به دست خواهند شد! دهها بار دیگر از حول حلیم به ته این یا آن دیگ خواهند افتاد! و آنچه راه خود را با مبارزه‌ای بی‌وقفه بسوی یک زندگی بهتر باز خواهد کرد، میلیونها مردمی هستند که برای رفاه، آزادی و برابری جمهوری اسلامی را با قدرت خود دارند به زانو در می‌آورند.